

به نام خالق یکتا

منفی کردن فعل ماضی

منفی کردن فعل ماضی، خیلی ساده است و با اضافه کردن یک «ما» به اولش منفی می شه بدون اینکه آخر فعل ها تغییری کند:

ما + فعل ماضی = ماضی منفی

– ذَهَبَ (رفت) + ما ← ما ذَهَبَ (نرفت) – كَتَبْتُمْ (نوشتید) + ما ← ما كَتَبْتُمْ (ننوشتید)

نکته: این «ما» که بهش می گن «مای نافییه»، یه حرف غیر عامله یعنی آخر فعل را تغییر نمی دهد.

منفی کردن فعل مضارع

فعل مضارع منفی هم خیلی ساده ساخته می شه، فقط کافیه که یه «لا» اول هر کدام از فعل های مضارع بذاریم، و اونو تبدیل به ماضی منفی کنیم. همین!

لا + فعل مضارع = مضارع منفی

– يَذْهَبُ (می رود) + لا ← لا يَذْهَبُ (نمی رود) – تَجْلِسُونَ (می نشینید) + لا ← لا تَجْلِسُونَ (نمی نشینید)

نکته: یه این «لا» می گن «لای نفی» که یه حرف غیر عامل هستش (یعنی از نظر اعراب تأثیری روی فعل بعدیش نداره).

فعل مستقبل (آینده)

فعل مستقبل از اضافه کردن سَـ یا سَوْفَ به فعل مضارع ساخته میشود بدون اینکه انتهای فعل های مضارع تغییری کند.

سَـ/سَوْفَ + فعل مضارع = فعل مستقبل

فقط دقت داشته باشید که ((سَـ)) برای آینده نزدیک و ((سَوْفَ)) برای آینده دور می باشد.

يَذْهَبُ (می رود) + سوف ← سوف يَذْهَبُ (خواهد رفت) - تجلسونَ (می نشینید) + سَ ← سَتَجلسونَ
(خواهید نشست)

فعل نهی:

در ابتدا لازم است توضیح دهیم که فعل نفی یعنی معنای فعل را منفی می شود مانند اینکه ((می رود)) می شود ((نمی رود)) اما فعل نهی کاملاً تفاوت دارد با فعل نفی (هم از نظر معنا و هم از نظر ساختار). فعل نهی یعنی بازداشتن یعنی امر منفی مانند اینکه بگوییم نرو، نبین، نخوان و...

اما روش ساختن فعل نهی عبارتند از:

لا + فعل مضارع + مجزوم کردن آخر فعل (مجزوم کردن یعنی ساکن کردن)

بنابراین به ابتدای فعل مضارع حرف ((لا)) اضافه می کنیم که به آن ((لای نهی)) می گوئیم. این (لا) باعث تغییراتی در انتهای فعل می شود که به شرح زیر می باشد:

۱) اگر در آخر فعل، ضمه (ُ) داشته باشیم آن را به سکون (ْ) تبدیل می کنیم:

ُ ← ُ ← تَذْهَبُ ← لا تَذْهَبُ (نرو)

۲) اگر در آخر، حرف ((ن)) داشته باشیم به جز صیغه ۶ و ۱۲ یعنی جمع های مونث، آن را حذف می کنیم:

ن ← ن ← تَذْهَبُونَ: لا تَذْهَبُوا (نروید) / تَذْهَبَانِ: لا تَذْهَبَا (نروید) / تَذْهَبِينَ: لا تَذْهَبِي (نرو)

۳) در دو صیغه ۶ و ۱۲ یعنی جمع مونث، شرط بالا وجود ندارد بنابراین در این دو صیغه ((ن)) حذف نمی شود:

تَذْهَبْنَ ← لا تَذْهَبْنَ (نروید) ← لا يَذْهَبْنَ (نباید بروند)

نکته: اگرچه می توانیم از تمام صیغه های مضارع، فعل نهی بسازیم ولی اکثراً فعل نهی از صیغه های مخاطب ساخته می شود.

فعل امر:

اگرچه فعل امر را هم می توان از صیغه های غائب و هم از صیغه های مخاطب ساخت (البته طریقه ساختن آنها تفاوت می کند) آنچه برای ما اهمیت دارد و در کتاب های درسی آمده است امر مخاطب است بنابراین در اینجا طریقه ساختن فعل امر مخاطب یاد می دهیم:

فعل امر مخاطب (یا همون امر حاضر در فارسی) از شش صیغه ی مخاطب ساخته می شه. چه جوری؟ با یه فرمول ساده: مثلاً این سه تا فعل رو می خوایم تبدیل به امر کنیم: تَعَلَّمْ (می دانی) - تَجَلِّسُونْ (می نشینید) - تَنْظُرُنْ (نگاه می کنید)

فرمول اینه:

۱	حذف حرف «ت» از ابتدای فعل:	تَعَلَّمْ - تَجَلِّسُونْ - تَنْظُرُنْ
۲	اضافه کردن همزه ی متحرک به اول فعل: اگر حرکت عین الفعل <u>ـُ</u> باشه، «أ» اضافه می کنیم. اگر حرکت عین الفعل <u>ـَ</u> یا <u>ـِ</u> باشه، «إ» اضافه می کنیم.	أَنْظُرُنْ إِعْلَمْ - اجلسون
۳	* ضمه ی آخر رو ساکن می کنیم. مجزوم کردن فعل، یعنی: * «ن» علامت رفع رو حذف می کنیم. * با «ن» جمع مؤنث کاری نداریم.	إِعْلَمْ (بدان) اجلسوا (بنشینید) أَنْظُرُنْ (نگاه کنید)

با توجه به این فرمول، شش صیغه ی امر به این صورت صرف می شوند:

۱	أَنْتَ إِفْعَلْ	۴	أَنْتِ إِفْعَلِي
۲	أَنْتُمَا إِفْعَلَا	۵	أَنْتُمَا إِفْعَلَا
۳	أَنْتُمْ إِفْعَلُوا	۶	أَنْتُنَّ إِفْعَلْنَ

بچه های عزیز دقت کنید در امر مخاطب بعد از حذف ((ت)) اگر به ساکن رسیدیم با توجه به حرکت عین الفعل فقط یا ((إ)) می گذاریم یا ((أ)) اما اگر بعد از حذف ((ت)) ساکن نبود دیگر الف همزه دار نمی گذاریم و فقط آخر فعل را ساکن می کنیم. تَعَلَّمْ ← عَلَّمْ (حالا در افعال مزید بیشتر با این نوع امر ها آشنا می شوید)

نکته: گفتیم اول امر مخاطب بعد از حذف ((ت-)) اگر به ساکن رسیدیم با توجه به حرکت عین الفعل فقط یا ((إِ)) می گذاریم یا ((أ)) اما دقت داشته باشید که در امر باب افعال همزه امر ((أ)) با فتحه می شود. (فقط یک نکته بود تو افعال مزید سال دهم می خونید 😊)

نکته: امر غائب و متکلم هم بسیار راحت ساخته می شود کافست اول فعل مضارع یک ((ل-)) بگذاریم و آخر فعل را مجزوم کنیم (ساکن کنیم)

ل + فعل مضارع + مجزوم کردن آخر فعل

۱۳- لِأَفْعَلُ	۴- لِتَفْعَلُ	لِيَفْعَلُ
۱۴- لِنَفْعَلُ	۵- لِتَفْعَلَا	۲- لِيَفْعَلَا
	۶- لِيَفْعَلْنَ	۳- لِيَفْعَلُوا

يَذْهَبُ ← لِيَذْهَبُ (او باید برود) أَفْعَلُ ← لِأَفْعَلُ (باید بروم)

ماضي استمراري

هر گاه یکی از فعل های خانواده ی ((كان)) (كان- کانا- کانوا- كانت- کانتا- کن- کنت- کنتما- کنتم- کنت- کنتما- کنتن- کنتت- کنتا) قبل یا کمی قبل تر از یک فعل مضارع بیاید، آن دو به صورت یک فعل ماضی استمراری ترجمه می شوند. مانند:

كان طلاب الجامعة يدرسون: دانشجویان دانشگاه درس می خواندند.

كانوا يصنعون بيتاً: خانه ای می ساختند.

رنگ ها و روزهای هفته:

الألوان: رنگ ها ← أبيض (سفید)، أسود (سیاه)، أزرق (آبی)، أصفر (زرد)، أخضر (سبز)، أحمر (سرخ) و بنفسجی (بنفش)

أيام الأسبوع: روزهای هفته ← السَّبْت (شنبه)، الأحد (یکشنبه)، الإثنين (دوشنبه)، الثلاثاء (سه شنبه)،
الأربعاء (چهارشنبه)، الخميس (پنج شنبه) و الجمعة (جمعه)

حقیقی - عربی